



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است. برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

قاعده اذا تعذرت الحقيقة

قاعده «اذا تعذرت الحقيقة»، **قاعده عقلایی** ترجیح معنای مجازی نزدیک تر به **معنای حقیقی** است.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف
- ۱.۱ - مثال
- ۲ - دو معنای مجازی نقض
- ۳ - نظر شیخ انصاری
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

تعریف

قاعده «اذا تعذرت الحقيقة فاقرب المجازات اولی» از قواعد عقلایی است که **عرف عقلا** در **محاورات** خود به آن تمسک می‌نمایند و به این معنا است که اگر در موردی، اراده معنای حقیقی از لفظ متعذر باشد، و آن لفظ دارای معنای مجازی متعددی باشد ولی معلوم نباشد که در کدام یک از معانی استعمال شده است، باید «اقترب المجازات الی الواقع» یعنی نزدیک‌ترین معنای مجازی به معنای حقیقی را برگزید.

← مثال

برای مثال، در **روایات** باب **استصحاب** آمده است: «لا تنقض الیقین بالشک؛ یقین را با شک نقض نکن»، چون معنای حقیقی نقض، باز کردن و جدا کردن اجزای چیزی است که محکم به هم متصل می‌باشند و از آن جا که **یقین** چیزی نیست که دارای **هیئت اتصالی** باشد تا بتوان استحکام آن را **نقض** نمود، اراده معنای حقیقی نقض متعذر است و «لا تنقض» در معنای مجازی استعمال شده است.

دو معنای مجازی نقض

نقض، در محل بحث، دارای دو معنای مجازی است:
 ۱. معنای مجازی اقرب) یعنی رفع امر ثابت و مستحکمی که اقتضای ثبوت دارد، مانند: **زوجیت دایمی** و **ملکیت** که در آنها استعداد و اقتضای بقا وجود دارد، مگر این که برای مثال، طلاق محقق شده و سبب از بین رفتن علقه **زوجیت** گردد.
 ۲. معنای مجازی ابعد: یعنی **مطلق** رفع ید از چیزی و ترک **عمل** به آن، هر چند اقتضای **ثبوت** نیز نداشته باشد، مانند: **زوجیت غیر دایم**.

نظر شیخ انصاری

مرحوم «**شیخ انصاری**» می‌گوید: معنای مجازی اول به معنای حقیقی اقرب نزدیک تر و مناسب تر است، سپس نتیجه می‌گیرد که استصحاب در صورتی **حجت** است که متیقن، **اقتضا** و **استعداد** بقا را داشته باشد و در **رافع** شک باشد. [۱][۲][۳][۴][۵][۶]

پانویس

۱. ↑ کفایة الاصول، آخوند خراسانی، مجد کاظم بن حسین، ص ۳۹۰ و ۳۹۱.
۲. ↑ فرائد الاصول، انصاری، مرتضی بن مجد امین، ج ۲، ص ۴۶۰.
۳. ↑ فرائد الاصول، انصاری، مرتضی بن مجد امین، ج ۲، ص ۵۷۴.
۴. ↑ منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة، جزایری، مجدجعفر، ج ۷، ص ۱۰۶.
۵. ↑ تحریر الفصول، ذهنی تهرانی، مجد جواد، ج ۵، ص (۸۳۴-۸۳۵).
۶. ↑ کفایة الاصول، فاضل لنگرانی، مجد، ج ۵، ص (۲۴۸-۲۵۵).

